

تحلیل ارتباط شناختی - حدیثی نظریه هنجاری مصافحه در آغاز ارتباطات درون فرهنگی اسلامی

مصطفی همدانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

چکیده

دست دادن در آغاز ارتباط - که از آن به مصافحه تعبیر می شود و از اقسام ارتباط لمسی است - در بسیاری از فرهنگ های جهان رواج دارد. روایات معصومان نیز ضمن تأکید بر این ارتباط لمسی در آغاز ارتباط مؤمنان، الگویی کامل از شیوه انجام این کنش ارتباطی ارائه کرده اند. پژوهش فرارو با روش تحلیلی و با فحوص کامل در جوامع روایی فریقین و با هدف کشف ابعاد این کنش به عنوان یک نظریه هنجاری، پاسخی یابی به این پرسش را کاوش کرده است: نظریه هنجاری مصافحه از منظر روایات چیست؟ تحلیل «چیستی» این کنش ارتباطی، در پنج محور انجام شده است: جایگاه مصافحه در فرآیند ارتباطات اجتماعی، کنش گران انجام مصافحه، روش مطلوب مصافحه از دیدگاه معصومان، ترغیب های دنیوی و اخروی برای پیاده شدن این روش و محتوای پیام مبادله شده. نتایج نشان داده است که مصافحه، مستحبی ارتباطی دارای آثار دنیوی و اخروی فراوان و حامل پیام صمیمیت معناگرا و به دنبال ایجاد الفت و محبت و مواسات و برادری و همبستگی در میان مؤمنان است. الگوی انجام مصافحه نیز دست دادن با همه کف دست راست، همراه با فشردن دست مخاطب و نیز طول دادن این عمل و نیز تکرار آن به محض تجدید دیدار و همراهی آن با سلام است. کلید واژه ها: نظریه هنجاری، ارتباطات، ارتباط درون فرهنگی، فقه ارتباطات، ارتباط غیرکلامی، ارتباط لمسی، آغاز ارتباط.

مقدمه

کشفیات باستانی نشان می دهد دست دادن به مثابه یک نماد و کنش ارتباطی برای ابراز

۱. سطح ۴ حوزه، دکتری فرهنگ و ارتباطات، استاد سطوح عالی حوزه علمی قم (ma13577ma@gmail.com).

دوستی و احترام به حدود دو هزار سال قبل بازمی‌گردد. سکه دوران کوتاه حکومت بالبینوس و شریک، تاریخ دست دادن به نشانه ابراز دوستی و احترام را نشان می‌دهد. این سکه به مناسبت اتحاد دو کنسول آن زمان روم یعنی بالبینوس^۱ و پوپیرنوس^۲ ساخته شده تا رومی‌ها مطمئن شوند بین دو امپراتور شریک، نفاق وجود ندارد. این سکه در ژوئیه ۲۳۸م، ضرب شده است. در آن زمان سنای روم دو نماینده (کنسول) را انتخاب می‌کرد تا به اتفاق زمام امور اجرایی امپراتور روم را به دست گیرند و این انتخاب هر سال تجدید می‌شد.^۳



تصویر شماره ۱. سکه دست دادن

گرچه امروزه در سراسر جهان، استفاده از دستان برای سلام کردن با دیگران رایج است، اما در فرهنگ‌های مختلف از نظر نحوه انجام، مدت و قدرت این کار تفاوت‌هایی دیده می‌شود.^۴ به طور کلی، دست دادن تنها در صدسال اخیر فراگیر شده است و تا چند وقت پیش هم تنها در قلمرو مردها استفاده می‌شد. امروزه در اکثر کشورهای غربی و اروپایی این حرکت هنگام خوش آمدگویی اولیه و خداحافظی در محیط‌های کاری و تجاری و به طور روزافزون در مهمانی‌ها و مراسم‌های اجتماعی هم توسط مردان و هم توسط زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۵

در فرهنگ اسلامی نیز سفارش‌های زیادی به مصافحه و روش برگزاری آن شده است. تحقیق فرارو، دست دادن را از منظر روایات بررسی می‌کند؛ با این هدف که ابعاد مصافحه را به عنوان یک کنش نظریه هنجاری - که نماد غیرکلامی آغاز ارتباط در فرهنگ اسلامی است - از منابع اسلامی استخراج کند. این الگورا می‌توان ارتباط «لمس آغاز» نامید. نگارنده پیش

1. Balbinus.

2. Pupienus.

۳. زبان بدن، ص ۱۰۱ - ۱۰۲.

۴. همان، ص ۱۶۰.

۵. ارتباط غیرکلامی (زبان بدن)، ص ۶۷.

از این، آغاز کلامی ارتباط «سلام آغاز» را - که با محوریت سلام است - در تحقیقی دیگر با عنوان «نظریه هنجاری و الگوی ارتباطی «سلام آغاز» در ارتباطات کلامی درون فرهنگی اسلامی و مقایسه آن با سایر فرهنگ‌ها» بررسی کرده است.

پرسش این تحقیق چنین است: نظریه هنجاری اسلامی در کنش ارتباطی مصافحه چیست؟ از آنجا که طبق مباحث ارائه شده در مباحث نظری - که در ادامه بیان خواهند شد - نظریه هنجاری دارای چهار بخش است، پرسش اصلی این تحقیق نیز به پنج پرسش فرعی به شرح زیر تجزیه خواهد شد:

۱. جایگاه مصافحه در ارتباطات میان فردی کجاست؟
 ۲. کنش گران در پیاده کردن این الگو کیستند؟
 ۳. روش انجام کنش مصافحه در فرهنگ اسلامی چگونه است؟
 ۴. در روایات چه ترغیب‌ها و تحذیرهایی برای تحریک مؤمنان به پای بندی به این الگوی هنجاری ارائه شده است؟
 ۵. پیام ارائه شده در کنش مصافحه چیست؟
- پژوهش‌های انجام شده درباره مصافحه - که نگارنده به آن‌ها دست یافته است - به شرح زیر در دو دسته قابل طبقه بندی هستند:
- کتاب سلام، مصافحه و بوسه در اسلام و مقاله «مصافحه؛ چرا و چگونه؟» که هر دو به بیان روایات اهمیت و روش انجام و آثار مصافحه پرداخته‌اند. این تحقیقات مفید بوده و برای ارائه سبک زندگی اسلامی در آغاز ارتباطات، به عموم مردم نگاشته شده است. از این رو، نویسندگان محترم بنا نداشته‌اند فحوص کاملی از روایات جوامع فریقین انجام دهند و نیز تحلیل دقیق و تخصصی از اسناد روایات و تعارض‌های موجود در دلالت برخی روایات ارائه نکرده، همچنین به تحلیل ارتباط شناختی این کنش پرداخته‌اند.
- مقالات «دست دادن با نامحرم از نگاه آیات و روایات»، «بررسی جواز و عدم جواز لمس و دست دادن با زن مسلمان و غیرمسلمان از منظر فقه امامیه» نیز تحقیقاتی ارجمند هستند که با رویکرد فقهی به این موضوع در ساحتی خاص، یعنی مصافحه با نامحرم به این موضوع پرداخته‌اند، نه تحلیل ارتباط شناختی از مسئله و فحوص از همه روایات و اهمیت و روش مصافحه و الگوی انجام این کنش.
- با توجه به کمبودی که در این پیشینه دیده می‌شود، پژوهش فرارو از روش تحلیلی و فنون

استنباطی از متون دینی استفاده کرده و پس از برخی مباحث نظری، مفهومی و تاریخی در کلیات، در چهار بخش به چهار پرسش یادشده پاسخ خواهد داد.

کلیات (مفاهیم و نظریات)

مباحث نظری و مفاهیمی که در تحقیق نیاز به توضیح دارند، در شش محور در این قسمت تبیین می‌شوند:

الف. نظریه هنجاری^۱

تئوری اجتماعی هنجاری عبارت است از مجموعه‌ای از آموزه‌های مرتبط که نشان می‌دهد جوامع انسانی چه یا چگونه باید باشند یا اداره شوند. نظریات هنجاری به عنوان صورتی مستقل از نظریه در حوزه‌هایی چون روابط بین الملل^۲ اقتصاد^۳ مطالعات شهری^۴ مدیریت^۵ و علوم ارتباطات^۶ سیاست فرهنگی و سیاست گذاری فرهنگی^۷ حضور دارند و رو به توسعه نیز هستند.

منابع استنباط نظریه‌های هنجاری به این شرح است: نظام سیاسی، نظرات عامه به عنوان افکار عمومی و مطالباتی که از رسانه دارند، بازار رسانه‌ای، دولت و کارگزاران آن، بخش‌های اقتصادی و اجتماعی ذی نفع، متون قانونی، استانداردهای حرفه‌ای و متون تحلیل‌های فلسفی.^۸ توجه به متون دینی به عنوان یکی از منابع تولید نظریه هنجاری در اقتصاد اخیراً در غرب نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۹

ب. ارتباط

ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده؛ مشروط بر آن که

1. Normative Theory.

۲. «بایسته‌های نظریه‌پردازی اسلامی روابط بین الملل»، ص ۲۲۴.

۳. تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)، ص ۵۱۱ - ۵۱۰.

۴. نظریه هنجاری و ویژگی‌های آن در مطالعات شهری، ص ۸۵.

5. Paul Horton, B., Chester L. Hunt, Sociology, p.539; Warren G. Bennis, The Planning of Change, p. 34.

6. Denis McQuail, McQuail's Mass Communication Theory, p. 14.

۷. تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، ص ۱۰۲.

۸. نظریه‌های رسانه، ص ۹۱-۹۰؛ تحقیق کاربردی (راهنمای عمل)، ص ۳۲؛ نظریه‌سازی در علوم اجتماعی، ص ۴۴۲.

9. James M. Dean; A. M. C. Waterman (auth.); James M. Dean, A. M. C. Waterman (eds.); Religion and Economics_ Normative Social Theory, p. 4.

در گیرنده پیام مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود.^۱

ج. ارتباط درون فرهنگی

ارتباطی که بین دو نفر که دارای علقه فرهنگی هستند برقرار شود، ارتباط درون فرهنگی (Intracultural communication) نام دارد^۲ و در برابر ارتباط میان فرهنگی است که شامل تعامل بین افرادی است که ادراکات فرهنگی و سیستم‌های نمادین آن‌ها کاملاً متفاوت است و این تفاوت به اندازه‌ای است که رویدادهای ارتباطی را برای ایشان کاملاً متفاوت نشان می‌دهد.^۳ بنابراین، در ارتباطات درون فرهنگی، کنش‌گران از نظام‌های ارتباطی و نمادهای هم اطلاع دارند.

د. ارتباط غیرکلامی

ارتباطات غیرکلامی^۴ عبارت است از: هر ارتباطی که در آن پیام با کلمه منتقل نشود^۵ و شامل عبارت‌های چهره، حرکات دست و بازو، موقعیت‌ها و حرکات مختلف بدن یا پاها است.^۶

ارتباطات غیرکلامی در مبادله پیام میان انسان‌ها نقش بسیار مهمی دارند. مهربان و وینر (۱۹۶۷م) در تحقیقی سهم پیام‌های کلامی و غیرکلامی در یک پیام را به گونه زیر فرمول‌بندی کرده‌اند:

$$Ti = \%7 \text{ Verbal} + \%38 \text{ Voccal} + \%55 \text{ Facial}$$

یعنی آنان کشف کردند که هفت درصد یک پیام به صورت کلامی بیان می‌شود، ۳۸ درصد آوا و ۵۵ درصد، اشاره‌های بدون کلام (زبان بدن) است و تأثیر کلی و عمومی پیام برآیند این سه است.^۷ همچنین پروفسور بردویستل به برداشت‌های مشابهی از ارتباطات بی‌شمار غیرکلامی بین انسان‌ها دست یافت. طبق بررسی او به طور کلی یک انسان معمولی در طول روز فقط ده تا یازده دقیقه با کلمات صحبت می‌کند و یک جمله معمولی حدود ۲/۵

۱. ارتباط شناسی، ص ۵۷.

۲. مدیریت ارتباطات، ص ۹.

۳. Larry A. Samovar, Richard E. Porter, Edwin R. McDaniel & Carolyn S. Roy, Communication Between Cultures, p. 8.

۴. Non - Verbal communication.

۵. Kory Floyd, Interpersonal Communication, p.178.

۶. Julia T. Wood, Communication Mosaics: Interpersonal Communication, p. 135; Mehrabian, 2017: 10.

۷. Albert Mehrabian, Nonverbal Communication, p. 10.

ثانیه طول می کشد.^۱

ه. ارتباطات لمسی

دست دادن در ذیل ارتباطات لمسی قرار دارد و دانش ارتباطات لمسی، یعنی مطالعه جنبه های ارتباطی لمس کردن.^۲

در فرهنگ ایالات متحده، لمس کردن مردها باهم، به جز در شرایط بسیار نامتعارف، تابو است. آمریکایی هایی ایتالیایی تبار اغلب بیش از آمریکایی های انگلیسی تبار یکدیگر را لمس می کنند.^۳ در ژاپن نیز لمس بدنی در هنگام خوش آمدگویی متداول نیست.^۴ بیشتر مردم بومی قبایل آسیای شرقی و جنوبی و بومیان آمریکا (مثل ناواجو) حتی اعضای خانواده را هم لمس نمی کنند.^۵ در بسیاری از فرهنگ ها از لمس کردن، فقط در ارتباطات با افراد نزدیک، مانند خانواده، دوست نزدیک، همکاران نزدیک استفاده می شود؛^۶ اما تحقیقات نشان داده است که لمس کردن و لمس شدن برای زندگی سالم ضرورت است و تحقیقات نشان داده است فرزندان خانواده های مشکل دار کمتر به وسیله والدین لمس می شوند.^۷ لمس کردن تقریباً جزو اولین حس های بدنی است که آن را می آموزیم. هنگامی که جنین در رحم مادر قرار دارد، قادر به دیدن، بو کردن، مزه کردن و شنیدن نیست (به ندرت صداهایی می شنود)، ولی هنگام تولد مهم ترین حسی که می آموزد، لمس کردن است و اولین تجربه ارتباطی او با دیگران از طریق این حس پدید می آید. پژوهش ها نشان داده که اگر بچه انسان یا موجودات دیگر قادر به لمس کردن نباشد، نه تنها از رشد اجتماعی و عاطفی، بلکه از رشد جسمی نیز باز می ماند.^۸ بین لمس کردن و دوست داشتن رابطه بسیار عمیقی وجود دارد. گروهی از روان شناسان دانشگاه کالیفرنیا بر این باورند که لمس کردن باعث دوست داشتن می شود.^۹

۱. ارتباط غیرکلامی (زبان بدن)، ص ۱۹ - ۱۸؛ ارتباطات غیرکلامی، ص ۱۶ - ۱۵.

۲. رفتار غیرکلامی، ص ۹۸ - ۹۷.

۳. رفتار غیرکلامی، ص ۹۸ - ۹۷.

۴. ارتباطات غیرکلامی، ص ۷۸.

۵. فرهنگ و رفتار اجتماعی، ص ۳۰۵.

۶. ارتباطات غیرکلامی، ص ۷۸.

۷. روان شناسی آموزش مهارت های ارتباط و زبان، ص ۳۴ - ۳۳.

۸. ارتباط غیرکلامی (زبان بدن)، ص ۳۷۹.

۹. همان.

در تحلیل ارتباط شناختی، لمس اجتماعی و مؤدبانه، به ویژه دست دادن، تأکید بر تعامل انسانی و برابری پایگاه طرفین دارد و لمس دوستانه و گرم (مثلاً در آغوش گرفتن، نوازش آرام دست طرف مقابل) پیام دوستی و صمیمیت را به طرف مقابل منتقل می‌کند. لمس سبب می‌شود طرف تمایل یابد درباره مشکلات خود صحبت کند و لمس شونده نگرش مثبت تری به ما و محیط پیدا کند.^۱ از نظر هسلین (۱۹۸۳م) لمس در پنج زمینه ارتباطی دارای مفاهیم غیرکلامی است: ۱. شغلی، ۲. اجتماعی، ۳. صمیمیت و دوستی، ۴. عشق، ۵. تماس جنسی.^۲ جونز و یاربور متداول‌ترین پیام‌های غیرکلامی لمسی را طبقه‌بندی کرده‌اند که در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. برخی از معانی رایج در مورد لمس ^۳	
پیام غیرکلامی	نوع لمس
تماس جنسی و علاقه	نوازش کردن
دوستی، صمیمیت، حمایت	نوازش دست، بازو و پشت
سلام، خداحافظی	دست دادن، بوسیدن تشریفاتی
سلام و خداحافظی صمیمانه، تبریک و تهنیت	در آغوش گرفتن
روابط نزدیک و صمیمی	در آغوش گرفتن و دست دادن طولانی
تقویت رابطه اجتماعی	لمس دست و بازو و شانه در هنگام صحبت کردن
جلب توجه	لمس جزئی
راهنمایی	کشیدن، هل دادن، راهنمایی کردن
توجه به بدن بدون مفهوم اجتماعی	تماس حرفه‌ای
بازی و شوخی	قلقلک دادن
تهاجم	سیلی لگد و چنگ زدن

۱. مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ص ۵۵ - ۵۴.

۲. ارتباطات غیرکلامی، ص ۸۰.

۳ همان، به نقل از جونز و یاربور.

و. مصافحه

ارتباط‌شناسان همواره سعی کرده‌اند گونه‌های ارتباط غیرکلامی را طبقه‌بندی و تحلیل کنند. رفتارهای غیرکلامی در نقطه آغاز ارتباط نیز یکی از دغدغه‌های ایشان بوده است. یکی از تحقیقاتی که گستره قابل توجهی از فرهنگ‌های جهان را در این ساحت (تبیین رفتارهای غیرکلامی در آغاز ارتباط) تحلیل کرده، در جدول شماره ۱ معرفی شده است. در این جدول جایگاه پررنگ مصافحه در فرهنگ‌های جهانی نشان داده شده است.

جدول شماره ۲. ارتباط غیرکلامی در نقطه آغاز ارتباط در فرهنگ‌های مختلف ^۱	
کشور	نوع ارتباط غیرکلامی در نقطه آغاز
آمریکا	محکم دست دادن و در چشم مخاطب نگاه کردن
برزیل	دست دادن‌های طولانی
چین	سرتکان دادن، تعظیم کردن یا دست دادن
دانمارک	محکم و مختصر دست دادن
انگلستان	دست دادن
فرانسه	دست دادن، لمس کردن گونه‌ها، فرستادن علامت بوسه از راه دور
آلمان	محکم دست می‌دهند. مردها دست زن‌ها را می‌بوسند
هند	در اماکن عمومی یکدیگر را بغل نمی‌کنند، نمی‌بوسند یا لمس نمی‌کنند، دست می‌دهند
ایتالیا	هنگام ورود یا خروج دست می‌دهند، دست دادن با گرفتن بازوی یکدیگر همراه است. زن‌ها گونه‌های دوستان صمیمی را بوسیده یا لمس می‌کنند. مردها همدیگر را در آغوش گرفته یا به پشت هم ضربه می‌زنند
ژاپن	دست دادن هایشان آرام یا بی‌حال است. تعظیم کردن نوعی سلام سنتی است
عربستان	دست می‌دهند یا گونه‌های یکدیگر را می‌بوسند. زن‌ها مجاز به انجام این کارها نیستند

۱. رفتار غیرکلامی، ص ۵۲۹-۵۲۶.

حکم فقهی اصل مصافحه در آغاز ارتباطات اجتماعی

بحث فقهی از مصافحه در تراث فقهی موجود بسیار نادر است. در میان فقیهان امامیه تا زمان مرحوم علامه حلی، بحث ارتباطات لمسی با تمرکز بر لمس جنسی در دو محور مطرح است: محور اول، لمس همسران که در بحث طهارت یا مبطلات روزه و حج یا نکاح مطرح کرده‌اند و سبب می‌شود تجدید وضو را مستحب کند و اگر با خروج منی باشد، غسل در پی داشته باشد؛ محور دوم، لمس نامحرم است که در بحث حدود مطرح می‌شود؛^۱ اما در لمس‌های غیرشهوایی، مانند مصافحه با مؤمن بحثی از ایشان یافت نشده است، جز چند سطر از مرحوم حلبی در استحباب مصافحه، ربوبی و درآغوش گرفتن به هنگام دیدار مؤمنان که در السرائر ابن ادریس و نیز برخی آثار شهید اول تکرار شده است.^۲ مرحوم علامه بحث ارتباطات لمسی را در کتاب نکاح مطرح کرده و البته تأکید ایشان بر ارتباطات جنسیتی است؛ اما در کنار آن، بحث مصافحه بین مؤمنان را هم مطرح و بدون تحلیل فقهی یا حتی بیان روایات مستند حکم، حکم به استحباب آن داده است.^۳

همان طور که مرحوم علامه فرموده، مصافحه در آغاز ارتباطات اجتماعی میان فردی مؤمنان با هم مستحب است و روایات زیر بر این مدعا دلالت دارد:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ التَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
تَصَافَحُوا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ.^۴

عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْمُثَنَّى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ وَلْيُصَافِحْهُ.^۵

حدیث اول از نظر سند معتبر است و حدیث دوم نیز گرچه مرسل است، اما در مضمون اصلی - که امر به مصافحه در آغاز دیدارهای کرده - مورد تأیید حدیث اول است. روایات

۱. المقنع، ص ۲۴۳؛ المهذب، ج ۱ ص ۲۲۰؛ غنیة النزوع، ص ۳۵، ۴۳۵؛ السرائر، ج ۳ ص ۴۶۱؛ شرائع الإسلام، ج ۲ ص ۲۶۰؛ ج ۴ ص ۱۳۹.

۲. الکافی فی الفقه، ص ۲۲۴؛ السرائر، ج ۱ ص ۶۵۸؛ الدروس الشرعية، ج ۲ ص ۱۸.

۳. تذکره الفقهاء، ج ۹ ص ۲۴.

۴. الکافی، ج ۲ ص ۱۸۳.

۵. همان.

فراوان دیگری نیز با مضمون‌های مختلف، مصافحه را ستایش کرده‌اند^۱ که مؤیدی بر مضمون یادشده هستند. طبق این دو روایت، دستور اهل بیت علیهم‌السلام با صیغه امر این است که مؤمنان در آغاز هر دیدار با هم مصافحه کنند. روایت اول مطلق است و به قرینه عرفی - که مصافحه در آغاز دیدارهاست - و نیز به قرینه روایت دوم - که مصافحه را مقید به آغاز دیدارها کرده است - این مطلق حمل بر مقید می‌شود. البته «آغاز دیدار» معنایی خاص دارد که در روایات دیگر تبیین شده و در مباحث بعد بیان خواهد شد. این روایات ظهور در وجوب ندارند؛ گرچه ظاهر صیغه امر واجب است؛ زیرا مصافحه در کنار سلام و پس از آن ذکر شده و سلام به عنوان شعار آغاز ارتباط اسلام با همه اهمیت می‌دهد. البته در روایت معتبر مستحب معرفی شده است.^۲ پس مصافحه به طریق اولویت مستحب است. صاحب وسائل هم در بابی که برای تدوین روایات مرتبط با این موضوع تنظیم فرموده، این استحباب را در عنوان باب درج کرده است: «بَابُ اسْتِحْبَابِ التَّسْلِيمِ وَالْمُصَافَحَةِ عِنْدَ الْمُلَاقَاةِ»^۳ و در جای دیگر هم همین استحباب را به صورت مشابه گوشزد کرده است: «بَابُ اسْتِحْبَابِ مُصَافَحَةِ الْمُقِيمِ وَمُعَانَقَةِ الْمُسَافِرِ عِنْدَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِمَا».^۴

کنش گران در الگوی مصافحه

با توجه به روایات متعدد یادشده، از نظر فقهی نیز مصافحه مرد با مرد و زن با زن و مرد محرم با هم نیز مستحب است؛^۵ زیرا قاعده بر اشتراک احکام بین زن و مرد است.^۶ همچنین عنوان موجود در این روایات، «مؤمن» است و اگر بر افراد متمیز این عنوان را صادق بدانیم، می‌توان آن را شامل هر فرد متمیز و مؤمن هم دانست. اما در ارتباط با نامحرم روایات متعدد از این کار منع کرده‌اند:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: هَلْ يُصَافِحُ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لَيْسَتْ بِذَاتِ حَرَمٍ؟ فَقَالَ: لَا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ التَّوْبِ؛^۷

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۲ ص ۲۱۸.

۲. الکافی ج ۲ ص ۶۴۴.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۲ ص ۲۱۸.

۴. همان ج ۱۲ ص ۷۳.

۵. جامع المقاصد، ج ۱۲ ص ۴۴.

۶. العناوین الفقهیة، ج ۱ ص ۲۰-۳۹؛ القواعد الفقهیة (الف)، ج ۲ ص ۵۳-۷۹؛ القواعد الفقهیة (ب)، ص ۲۹۵-۳۱۰.

۷. الکافی، ج ۵ ص ۵۲۵.

ابی بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مرد می تواند با زنی که محرم او نیست، دست دهد؟ حضرت فرمود: خیر، مگر از روی لباس.

۲. عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مُصَافِحَةِ الرَّجُلِ الْمَرْأَةَ قَالَ: لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَافِحَ الْمَرْأَةَ إِلَّا امْرَأَةً يَحْرُمُ عَلَيْهِ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا أُخْتٌ أَوْ بِنْتُ أَوْ عَمَّةٌ أَوْ خَالَئَةٌ أَوْ بِنْتُ أُخْتٍ أَوْ خَوْهَا، وَ أَمَّا الْمَرْأَةُ الَّتِي يَحِلُّ لَهَا أَنْ يَتَزَوَّجَهَا فَلَا يُصَافِحُهَا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ الثَّوْبِ وَلَا يَغْمِزُ كَفَّهَا؛^۱

سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام درباره دست دادن مرد با زن سؤال کردم، امام فرمود: دست دادن مرد با زن جایز نیست؛ مگر با زنی که ازدواج وی با او حرام است: خواهر یا دختر یا عمه یا خاله ... و اما با زنی که ازدواج با او حلال است، نباید مرد با آن زن دست دهد؛ مگر از روی لباس و دست او را هم فشار ندهد.

فشار ندادن دست نکته بسیار لطیفی است که در روایات دست دادن با نامحرم از روی لباس بیان شده است؛ زیرا اولاً از دستورات اسلامی در باب مصافحه - که بیان شد - فشار دادن دست است و اینجا امام خواسته است این مورد را از آن دستور استثنا فرماید. همچنین در مباحث قبل گفته شد که فشردن دست از نظر ارتباط شناختی نوعی ابراز صمیمیت است و اگر نیتی در ارسال آن هم نباشد، مخاطب همین را دریافت می کند. این همان پیام ممنوعی است که روایت بر آن تأکید فرموده است. البته برای کسی که ارسال و دریافت این پیام را هم قصد نکند، باز فشردن دست نامحرم ممنوع است.

الگوی هنجاری روش مصافحه

دست دادن دارای خرده الگوهایی به شرح زیر است که در مجموع، الگوی ارتباطی مصافحه را بیان می کنند:

۱. دست دادن با همه کف دست

مصافحه یعنی چسباندن کف دست توسط دو نفر به هم.^۲ برخی مصافحه را چسباندن پهنای دست به هم نامیده اند.^۳ کف دست عبارت است از قسمت بالا که «راحة» نام دارد،

۱. همان.

۲. جمهرة اللغة، ج ۱ ص ۵۴۱.

۳. مقایس اللغة، ج ۳ ص ۲۹۳؛ لسان العرب، ج ۲ ص ۵۱۴.

به اضافه انگشتان.^۱ بنابراین، برای انجام مصافحه‌ای که در روایات توصیه شده است، چسباندن پهنای کف دست لازم است و مصافحه با قسمت انگشتان کافی نیست؛ همان طور که در عرف هم نوعی تکبر و یا فقدان صمیمیت تلقی می‌شود و با مصافحه محکم - که در روایات توصیه شده - هم سازگار نیست.

۲. دست دادن طولانی

طبق روایات متعدد فریقین، پیامبر هرگز اولین نفر نبود که دست خود را در مصافحه می‌کشید.^۲ در حدیث است آن که مصافحه را آخرها کند، اجرش بیشتر است.^۳ طول مدت دست دادن نیز حاوی نکات مثبت و منفی در ارتباطات غیرکلامی است. اکثر مطالعات، طول مدت متوسط برای دست دادن را پنج ثانیه محاسبه کرده‌اند. اگر طول مدت دست دادن، کمتر از زمان مورد انتظار فرد مقابل باشد، نشان دهنده عدم علاقه فرد به ارتباط است. طول مدت دست دادن بیش از حد انتظار، نشان دهنده علاقه برای ایجاد یا تحکیم رابطه است. البته اگر طول مدت دست دادن به حد آزاردهنده‌ای بالاتر از انتظار باشد، می‌تواند احساسات منفی در طرف مقابل ایجاد کند و پیام مثبت علاقه به رابطه و تحکیم آن به پیامی منفی حاکی از تمایل طرف مقابل برای غلبه و سلطه گردد. باید توجه داشت که ارتباط چشمی مناسب و حرکات چهره نیز می‌تواند در انتقال پیام واقعی در هنگام دست دادن، نقش مکمل را داشته باشند.^۴ دست دادن محکم و طولانی تنها در بین مسلمانان رایج نیست، بلکه به طور گسترده‌ای در میان پیروان کلیسا عیسی مسیح قدیسان آخرالزمان (کلیسیای مورمون) استفاده می‌شود که آن را «دست دادن مورمون» می‌نامند.^۵ در ایالات متحده، مردان غالباً از این که دستان هم را نگه دارند، معذب می‌شوند؛ مگر در دوران کودکی و در بعضی آیین‌های مذهبی خاص.^۶

۳. دست دادن با دست راست

در روایات مصافحه توصیه به انجام این کنش با دست راست نشده است، اما از دیگر

۱. تهذیب اللغة، ج ۹ ص ۳۳۶.

۲. الکافی، ج ۲ ص ۱۶۴ ج ۲ ص ۱۸۲ ج ۲ ص ۶۷۱؛ سنن ابی داوود، ج ۴ ص ۲۵۱.

۳. الکافی، ج ۲ ص ۱۷۹.

۴. ارتباط غیرکلامی (زبان بدن)، ص ۱۶۳.

۵. زبان بدن، ص ۱۶۰.

۶. الکافی، ج ۲ ص ۱۷۹.

روایات می‌توان فهمید مستحب است که این کار با دست راست انجام گیرد؛ زیرا پیامبر اکرم کارهای خود را همگی با دست راست انجام می‌داد:

كَانَ يَمِينُهُ لِبَطْنِهِ وَ شَرَابِهِ وَ أَخْذِهِ وَ إِعْطَائِهِ، فَكَانَ لَا يَأْخُذُ إِلَّا بِيَمِينِهِ وَلَا يُعْطَى إِلَّا بِيَمِينِهِ... وَ كَانَ يُحِبُّ التَّيْمَنَ فِي كُلِّ أَمْرٍ فِي لُبْسِهِ وَ تَنَعُّلِهِ وَ تَرْجُلِهِ؛

پیامبر اکرم در غذا خوردن و نوشیدن و دادن و گرفتن چیزی از دست راست استفاده می‌کرد و جز با دست راست چیزی نمی‌داد و نمی‌گرفت و در همه کارهایش، مانند لباس پوشیدن و شانه زدن مو و پوشیدن کفش از دست راست استفاده می‌کرد.^۱

در دیگر روایات نیز شواهد زیادی بر اجزای این روایت و نیز کلیت حاکم بر آن، یعنی اهمیت تیامن در اموری چون استنجا با دست نکردن با دست راست و تقدیم دست راست در وضو و شستشوی سمت راست بدن میت وجود دارد تا انتخاب سمت راست در صورت شک بین دوراهی در سفر وجود دارد.^۲

۴. فشردن دست‌های هم

در تحلیل ارتباط شناختی، لمس اجتماعی و مؤدبانه، به ویژه دست دادن، تأکید بر تعامل انسانی و برابری پایگاه طرفین دارد؛ اما لمس دوستانه و گرم (مثلاً نوازش آرام دست طرف مقابل) فراتر از دست دادن معمولی، پیام دوستی و صمیمیت را به طرف مقابل منتقل می‌کند؛ علاوه بر آن که اصولاً لمس سبب می‌شود طرف تمایل یابد درباره مشکلات خود صحبت کند و لمس شونده نگرش مثبت تری به ما و محیط پیدا کند.^۳

راوی می‌گوید امام باقر علیه السلام با من دست داد و به محکمی دستم را فشرد و فرمود: هرگاه مؤمن

۱. مکارم الأخلاق ص ۲۳؛ سنن النسائی ج ۸ ص ۱۳۳.

۲. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله أن يستنجي الرجل بيمينه (الكافي، ج ۳ ص ۱۷).

عن علي بن أبي حمزة قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل بدأ بالمزوة قبل الصفا، قال: يعيد، ألا ترى أنه لو بدأ بشماله قبل يمينه في الوضوء أراد أن يعيد الوضوء (همان ج ۴ ص ۴۳۶).

عن أبي العباس، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سأله عن غسل الميت، فقال: أفضده وأغمز بطنه غمزاً رقيقاً، ثم طهره من غمز البطن، ثم توضعه، ثم تغسله فتبدأ بيمينه وتغسله بالماء والخرض، ثم بماء وكافور، ثم تغسله بالماء القراح، و اجعله في أكفائه (تهذيب الأحكام، ج ۱ ص ۴۴۶).

عن أبي عبد الله، عن أبيه عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أخطأتم الطريق فتيامنوا (المحاسن، ج ۲ ص ۳۶۲؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲ ص ۳۰۰).

۳. مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ص ۵۴ - ۵۵.

با مؤمن دیگر دست دهد و انگشتان خود را در هم بفشارند، گناهان آنان چون برگ درخت در روز پاییز می‌ریزد.^۱ از منظر ارتباط شناختی نیز دست دادن شل به معنای عدم تمایل برای برقراری ارتباط است.^۲

۵. دست دادن مکرر در دیدارهایی با فاصله بسیار کم

روایت است که اگر یک درخت خرما بینتان فاصله افتاد و هم را در پشت آن دیدید، مجدداً دست بدهید.^۳ راوی می‌گوید در سفری که با امام بودم، هرگاه سوار هودج می‌شدیم، وقتی امام وارد می‌شد، به گونه‌ای با من سلام می‌کرد و پرس و جو می‌کرد و دست می‌داد که گویا قبلاً مرا ندیده و هر وقت پیاده می‌شدیم، هم من زودتر پیاده می‌شدم و ایشان که پیاده می‌شدند، باز به محض دیدنم همان طور عمل می‌کردند و اگر بارها تکرار می‌شد، همان طور عمل می‌کرد.^۴

الگوی یادشده از دست دادن در فرهنگ اسلامی و آثار آن در هیچ جا دیده نشده است.

۶. همراهی دست دادن با سلام کردن

دست دادن باید پس از رفتار کلامی سلام و یا مقارن آن باشد و نباید مصافحه به عنوان جایگزین سلام تلقی شود. البته ادله ابتدا کردن و آغاز نمودن با سلام، می‌تواند با تنقیح مناط دلالت کنند که نباید مصافحه بر سلام مقدم شود، بلکه مستحب است سلام کردن را بر مصافحه مقدم کرد یا دست کم هم زمان نمود.

صاحب وسائل هم در بابی که تنظیم فرموده، به خوبی به این نکته لطیف، یعنی تقدیم سلام بر مصافحه متوجه بوده و در عنوان باب هم سلام را بر مصافحه مقدم کرده است: «بَابُ اسْتِحْبَابِ التَّسْلِيمِ وَالْمُصَافَحَةِ عِنْدَ الْمَلَاَقَةِ».^۵ و در جای دیگر همراهی آن‌ها را مطرح کرده و عنوان باب را چنین قرار داده است: «بَابُ اسْتِحْبَابِ مُصَافَحَةِ الْمُقِيمِ وَمُعَانَقَةِ الْمَسَافِرِ عِنْدَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِمَا»؛^۶ یعنی به صورت ضمنی گوشزد کرده است که مصافحه و معانقه باید

۱. الکافی، ج ۲ ص ۱۸۰.

۲. آداب معاشرت در محیط کار، ص ۱۱۲.

۳. الکافی، ج ۲ ص ۱۸۱.

۴. همان، ج ۲ ص ۱۷۹.

۵. وسائل الشیعة، ج ۱۲ ص ۲۱۸.

۶. همان، ج ۱۲ ص ۷۳.

در کنار سلام باشند.

روایات نهی از جایگزینی سلام با تحیتی دیگر، به خوبی دال بر این مدعا هستند. همچنین روایتی صحیح نیز در تأیید این استفاده وجود دارد:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: إِنَّ مِنْ تَمَامِ التَّحِيَّةِ لِلْمُقِيمِ الْمُصَافِحَةَ وَتَمَامِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْمُسَافِرِ الْمُعَانَقَةَ!^۱

تکمیل کننده تحیت برای افرادی که در سفر نیستند، مصافحه با هم است و اگر کسی سفر رفته باشد، تکمیل کننده سلام بر او معانقه با اوست.

ترغیب و تحذیر در الگوی مصافحه

در روایت است که مصافحه در آغاز دیدار، محبت ایجاد می‌کند.^۲ طبق برخی روایات، ریشه این الگوی ارتباطی با الهام از جهان غیب است و فرشتگان با هم دست می‌دهند^۳ و خداوند با این روش ارتباطی آنان را گرمی داشته، پس مؤمنان هم در دیدارها باید چنین کنند.^۴ نیز روایت است که هرگاه مؤمنان هم را ببینند و دست بدهند، همواره خداوند به آنان نگاه می‌کند و گناهان آنان چون برگ درخت می‌ریزد تا از هم جدا شوند.^۵

مصافحه کردن با دشمن نیز از توصیه‌های دینی است و سبب رفع عداوت او و بلکه ایجاد محبت و صمیمیت می‌شود و دو روایت زیر مؤید این اثر ارتباطی اجتماعی هستند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي، عَنْ آبَائِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعًا بَابَ مِمَّا يُضْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ قَالَ: ... صَافِحْ عَدُوَّكَ وَإِنْ كَرِهَ، فَإِنَّهُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِهِ عِبَادَهُ يَقُولُ: ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾، فَإِذَا

۱. الکافی، ج ۲ ص ۶۴۶.

۲. همان، ج ۲ ص ۱۸۳.

۳. نباید پنداشت این موضوع با نقلی تاریخی که در آغاز تحقیق در ریشه مصافحه بیان شد تنافی دارد؛ زیرا این دو گزاره در طول هم هستند، نه در عرض هم که در تنافی باشند؛ بدین معنا که اولاً، فطرت انسان بر رفتار صحیح سرشته است و ثانیاً، انبیا همواره رفتارهای صحیح فطری را ترویج کرده اند. بنابراین، ممکن است انبیای قبل این الگو را رواج داده و سپس ارمتمن جامعه به حاشیه رفته و آن جریان تاریخی نوعی رواج دادن به همان الگوی فراموش شده بوده یا این که انسان ها بر اساس فطرت خود متمایل به این رفتار شده باشند و آن را رواج داده باشند؛ زیرا به تصریح قرآن دین در فطرت انسان ها سرشته است (سوره روم، آیه ۳۱)

۴. الکافی، ج ۲ ص ۱۸۱.

۵. همان، ج ۲ ص ۱۸۰.

الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ، كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ^۱

با دشمنت مصافحه کن، گرچه او خوش نداشته باشد؛ زیرا خداوند به این کار امر نموده و فرموده است با نیکوترین شکل با دشمنت رفتار کن تا او دوست صمیمی تو شود؛ که البته جز صابران و صاحبان بهره فراوان (از ایمان و استقامت) به این توانایی در مواجهه با دشمن نخواهند رسید.

من کلامه ﷺ مع الرشید فی خبر طویل ذکرنا موضع الحاجة إليه:

دَخَلَ إِلَيْهِ وَقَدْ عَمَدَ عَلَى الْقَبْضِ عَلَيْهِ لِأَشْيَاءَ كُذِّبَتْ عَلَيْهِ عِنْدَهُ ... ثُمَّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيٍّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: الرَّجْمُ إِذَا مَسَّتِ الرَّجْمَ اضْطَرَبَتْ ثُمَّ سَكَتَتْ. فَإِنْ رَأَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ تَمَسَّ رَجْمَهُ وَيُصَافِحِي فَعَلْ، فَتَحَوَّلَ عِنْدَ ذَلِكَ عَنْ سَرِيرِهِ وَمَدَّ يَمِينَهُ إِلَى مُوسَى ﷺ، فَأَخَذَ بِيَمِينِهِ، ثُمَّ صَمَّهَ إِلَى صَدْرِهِ، فَأَعْتَنَّهُ وَأَقْعَدَهُ عَنْ يَمِينِهِ، وَقَالَ: أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقٌ وَأَبَاكَ صَادِقٌ وَجَدَّكَ صَادِقٌ وَرَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَادِقٌ وَلَقَدْ دَخَلْتُ وَ أَنَا أَشَدُّ النَّاسِ عَلَيْكَ حَتَقًا وَغَضَبًا لِمَا رُفِيَ إِلَيَّ فِيكَ، فَلَمَّا تَكَلَّمْتَ بِمَا تَكَلَّمْتَ وَ صَافَحْتَنِي سُرِي عَنِّي وَتَحَوَّلَ غَضَبِي عَلَيْكَ رِضًا؛^۲

ابن شعبه روایتی طولانی از گفتگویی بین امام کاظم ﷺ و هارون در اختیار نقل کرده که در بخشی از آن می‌گوید:

امام کاظم ﷺ نزد هارون رفتند؛ چون هارون دستور داده بود او را به خاطر چیزهایی که به ایشان نسبت داده بودند، دستگیر کنند. امام کاظم ﷺ برای آرام کردن خشم او

۱. الخصال، ج ۲ ص ۶۳۳.

۲. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ ص ۴۰۴. این حدیث را مرحوم صدوق نیز با سندی مرفوع و با تغییر مختصری در عبارت نقل کرده (عیون أخبار الرضا ﷺ، ج ۱ ص ۸۱) و نیز مرحوم مفید آن را با سند دیگری که البته آن سند هم برخی افراد مجهول دارد روایت کرده است (الاختصاص، ص ۵۵). از آنجا که مرحوم حرانی، استاد شیخ مفید و هم عصر مرحوم صدوق بوده است (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳ ص ۴۰۰) به نظر می‌رسد سند ایشان - که در تحف العقول ذکر نکردند - همان سند شیخ مفید باشد. در هر صورت، تعدد سند این روایت در حد سه سند مستقل محرز نیست و از این رو، مستفیض نیست تا به نوعی اطمینان به سند آن پیدا شود.

اما این روایت از منظر مکتب وثاقت صدور معتبر است؛ زیرا طبق محتوای آن، موافق با حدیث نبوی است و نیز روایات آثار محبت زایی مصافحه که به صورت عام و کلی بود، یقیناً درباره ارحام هم صدق می‌کند؛ چون این حدیث نوعی فرد برای آن کلی و عام است.

فرمودند: پدرم، از پدرش و او از امام علی علیه السلام روایت کرده که پیامبر فرمودند: رحم وقتی رحم خود را لمس کند، مضطرب شده^۱ و سپس آرام می‌گیرد.^۲

اگر امیر صلاح دید رحم من با او تماس بگیرد (چون بنی عباس پسرعموی پیامبر بودند) و با من مصافحه کند. هارون از تخت پایین آمد و دست خود را دراز کرد و او را گرفت و سپس به سینه چسباند و با او معانقه کرد و در سمت راست خود نشاند و گفت: تو و پدرت و جدت و پیامبر همه راست گفتید (در نقل این حدیث مصافحه). چون وقتی نزد من آمدی، به خاطر آن گزارش‌ها درباره ات در نهایت خشم بودم، ولی وقتی آن حدیث را گفتم و با من مصافحه کردی، غضب از من رفت و به رضایت تبدیل شد.

همچنین در جایی که مصافحه ممنوع است، یعنی مصافحه با نامحرم، روایت زیر با تخویف انسان‌ها را از آن برحذر داشته است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَقْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عليه السلام فِي حَدِيثِ الْمَتَاهِي قَالَ: مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرُمُ عَلَيْهِ، فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ عز وجل، وَمَنِ التَزَّمَ امْرَأَةً حَرَامًا قُرْنَ فِي سِلْسِلَةٍ مِنْ نَارٍ مَعَ شَيْطَانٍ فَيُقَدِّفَانِ فِي النَّارِ^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر کس با نامحرمی مصافحه کند، به خشم خداوند گرفتار شده و کسی که زن نامحرمی را در آغوش بگیرد، به همراه شیطان با زنجیری از آتش بسته می‌شود و آن دو با هم به آتش افکنده می‌شوند.

تحلیل فقه الحدیث برخی روایات به ظاهر متعارض در آثار معنوی مصافحه

در بحث آثار معنوی مصافحه دودسته روایت به ظاهر متعارض داریم: دسته اول چهار روایت با چهار سند مختلف است که فرموده است خداوند به هر دو نفر مصافحه کننده نظر دارد و گناهان هر دو را می‌ریزد و این روایات در زمینه ترجیح یکی از مصافحه کننده‌ها بر دیگری ساکت است چون هیچ کدام را بر دیگری ترجیح نداده است؛ اما در کیفیت نظر الهی به آنان و ریزش گناهان تفاوت‌هایی دارند که در نظر بدوی چنین به ذهن می‌رسد که

۱. گویا در اثر هیجان ناشی از آشنایی حس لمس این تحرک به آن دست می‌دهد.

۲. افزونه «ثُمَّ سَكَتَتْ» در نقل مرحوم مفید و مرحوم صدوق نیست و به نظر می‌رسد نقل تحف العقول دقیق تر است؛ زیرا اضطراب رحم قاعدتاً نباید باعث آرامش غضب شود.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۴ ص ۱۴.

تعارض است اما در ادامه این تفاوت ها تحلیل و روشن خواهد شد تعارضی وجود ندارد:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَحَا أَقْبَلَ اللَّهُ عليهما السلام عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ وَ تَسَاقَطَتْ عَنْهُمَا الدُّنُوبُ كَمَا يَتَسَاقَطُ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ^۱.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ يُونُسَ، عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ، عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام ... إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَلْقَى الْمُؤْمِنَ فَيُصَافِحُهُ، فَلَا يَزَالُ اللَّهُ يُنْظِرُ إِلَيْهِمَا وَ الدُّنُوبُ تَتَحَاكُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا كَمَا يَتَحَاكُّ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ^۲.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ: ... أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا ... أَخَذَ بِيَدِ أَخِيهِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ فَلَمْ يَزَلْ مُقْبِلًا عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ وَيَقُولُ لِلدُّنُوبِ: تَحَاكَّتْ عَنْهُمَا فَتَتَحَاكَّتْ يَا أبا حَمْرَةَ كَمَا يَتَحَاكُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ فَيَفْتَرِقَانِ وَ مَا عَلَيْهِمَا مِنْ دَنْبٍ^۳.

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ... الْمُؤْمِنُ إِتَّهَ لَيَلْقَى أَخَاهُ فَيُصَافِحُهُ فَيَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا، وَ الدُّنُوبُ تَتَحَاكُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا حَتَّى يَفْتَرِقَا كَمَا تَتَحَاكُّ الرِّيحَ الشَّدِيدَةَ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ^۴.

در این چند روایت، علاوه بر نظر رحمانی الهی و ریزش گناهان در مورد هر دو نفر، تأکید دارند موضوع این اثر، یعنی مصافحه باید قدری طولانی باشد؛ چون فرموده اند خداوند همواره بر آنان نظر دارد تا از هم جدا شوند. همچنین تشبیه به ریزش برگ درخت نیز منظور ریزش در اثر بادهای فصل سرما و خزان است که گاه با یک باد تند که مدتی بوزد، انبوه برگ درخت را خزان می کند که روایت آخر - که تعبیر «الرِّيحَ الشَّدِيدَةَ» دارد - با ضمیمه حکم عقل - که باد هر چه شدید باشد - موجب ریزش فراوان برگ درخت نمی شود، مگر در فصل خزان - که برگ ها هم سست شده اند - شاهد این تفسیر از باد است.

اما دسته دوم روایاتی است که نوعی ترجیح برای یکی از مصافحه کننده ها قایل هستند که این ترجیح هم با پنج مؤلفه جداگانه - که به ظاهر باهم در تنافی هستند - بیان شده است:

۱. الکافی، ج ۲ ص ۱۸۰.

۲. همان، ج ۲ ص ۱۸۲.

۳. همان، ج ۲ ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

۴. همان، ج ۲ ص ۱۸۳.

روایت اول ترجیح را به کسی می دهد که طرف مقابل را بیشتر دوست داشته باشد که عنایت خداوند به او نیز به این صورت است که بر او رو می کند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَحَا أَدْخَلَ اللَّهُ يَدَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا وَ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ.^۱

روایت دوم ترجیح را به کسی می دهد که طرف مقابل را بیشتر دوست داشته باشد، اما عنایت خداوند به او به این صورت است که خدای متعال رحمت بیشتری را بر او نازل می کند:

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ... فَقَالَ ... أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَحَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ عَلَيْهِمَا فَكَانَتْ تِسْعَةً وَ تِسْعُونَ لِأَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ.^۲

روایت سوم در ترجیح، مانند روایت دوم است؛ منتهی علاوه بر این که خدای متعال رحمت بیشتری را بر او نازل می کند، پس از آن اقبال بیشتری نیز به او می کند:

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ لَهُ: لَا تَمَلَّ مِنْ زِيَارَةِ إِخْوَانِكَ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا لَقِيَ أَحَاهُ فَقَالَ لَهُ: مَرْحَبًا، كُتِبَ لَهُ مَرْحَبًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَإِذَا صَافَحَهُ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَ إِبْهَامَيْهِمَا مِائَةَ رَحْمَةٍ تِسْعَةٌ وَ تِسْعُونَ مِنْهَا لِأَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ، ثُمَّ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ فَكَانَ عَلَى أَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ أَشَدَّ إِقْبَالًا ...؛ فَإِذَا لَبِئْنَا لَا يُرِيدَانِ إِلَّا وَجْهَهُ لَا يُرِيدَانِ غَرَضًا مِنْ أَعْرَاضِ الدُّنْيَا. قِيلَ لَهُمَا: غَفَرَ اللَّهُ لَكُمَا فَاسْتَأْنَفَا؛^۳

وقتی مؤمن برادر مؤمنش را ملاقات کند و به او بگوید: «مرحبا»، برای او تا روز قیامت، مرحبا نوشته خواهد شد. زمانی که آن‌ها با هم مصافحه می کنند، خداوند بین دو انگشت ابهامشان، یک صد رحمت الهی نازل می کند. نود و نه رحمت از آن کسی است که دیگری را بیشتر دوست داشته باشد. آنگاه خداوند به آن‌ها توجه [و نظر رحمت] می کند و اقبال خداوند، بیشتر متوجه کسی است که دیگری را بیشتر دوست داشته باشد ... و وقتی در کنار هم می مانند و درنگ می کنند و هدفی دنیوی و مادی از

۱. همان، ج ۲ ص ۱۸۱ - ۱۸۲.

۲. همان، ج ۲ ص ۱۷۹.

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۴۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲ ص ۲۳۲.

این دیدار و نشست ندارند، به آنان گفته می‌شود: خداوند شما را آمرزید پس اعمالتان را از سر بگیرید.

روایت چهارم ترجیح را به کسی می‌دهد که طرف مقابل را بیشتر دوست داشته باشد، اما عنایت خداوند به او به صورتی غیر از صورت اول و دوم بیان شده؛ یعنی به این صورت که خدای متعال با او مصافحه می‌کند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا وَتَصَافَحَا أَدْخَلَ اللَّهُ يَدَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا فَصَافَحَ أَشَدَّهُمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ.^۱

روایت پنجم ترجیح را به کسی می‌دهد که مصافحه را ادامه دهد و دست طرف را دیرترها کند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا صَافَحَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ فَالَّذِي يَلْزِمُ التَّصَافُحَ أَكْبَرُ مِنَ الَّذِي يَدْعُ، أَلَا وَإِنَّ الدُّنُوبَ لَتَنْتَحَاتُ فِيمَا بَيْنَهُمْ حَتَّى لَا يَبْقَى دَنْبٌ.^۲

این پنج روایت در ترازوی تحلیل سندی تک تک رجال سند، اغلب ضعیف هستند و تنها روایت اول و چهارم صحیح هستند. اما در روش تحلیل وثاقت صدور حدیث، مضمون این پنج حدیث با مضمون سه حدیث دسته اول مؤید همدیگر هستند. از این رو، شکی در صدور آن‌ها باقی نمی‌ماند. تحلیل مضامین این روایات و تعامل آن‌ها با هم در ادامه بیان خواهد شد.

مفاهیم محوری این دو دسته روایت (سه روایت اول و پنج روایت دوم) در قالب چند گزاره نهایی به صورت زیر است:

۱. طبق روایات دسته اول، خداوند به هر دو نفر مصافحه کننده نظر دارد و گناهان هر دو را می‌ریزد و اگر مصافحه را طول دهند، همواره در عنایت الهی هستند تا همه گناهان آنان چون برگ ریزان حاصل از باد تند در فصل خزان که بردختی بوزد، فرو می‌ریزد.
۲. طبق روایت اول از روایات دسته دوم، خدای متعال دست خود را در میان دستان دو نفر مصافحه کننده وارد کرده (بدون این که بفرماید با یکی مصافحه می‌کند) و کسی که بیشتر دیگری را دوست دارد را بردیگری ترجیح داده به این صورت که به سوی او رو می‌کند.

۱. الکافی، ج ۲ ص ۱۷۹.

۲. همان، ج ۲ ص ۱۷۹.

۳. طبق روایت دوم از روایات دسته دوم، خداوند رحمت خود را بر دو طرف مصافحه کننده نازل کرده و در این میان رحمت بیشتر (نود و نه رحمت از صد رحمت) برای آن است که دیگری را بیشتر دوست دارد.

۴. طبق روایت سوم از روایات دسته دوم، ترجیح مانند روایت دوم است و خداوند بین دو انگشت ابهام آن دو مصافحه کننده، یک صد رحمت نازل می‌کند که نود و نه رحمت مخصوص کسی است که دیگری را بیشتر دوست داشته باشد؛ منتهی با این افزونه که بر هر دو هم اقبال می‌کند؛ اما اقبال خداوند نیز بیشتر متوجه اوست که دیگری را بیشتر دوست دارد.

۵. طبق روایت چهارم از روایات دسته دوم، خدای متعال دست خود را در میان دستان دو نفر مصافحه کننده وارد کرده و کسی را که بیشتر دیگری را دوست دارد، بر دیگری ترجیح داده؛ به این صورت که با او مصافحه می‌کند.

۶. طبق روایت پنجم از روایات دسته دوم، از میان دو نفر مصافحه کننده، ترجیح با کسی است که دست دیگری را دیرترها کند و نتیجه ترجیح او هم برخورداری از اجر بیشتر است.

جمع بین این روایات با حمل بر «صورت و معنا» ممکن است. توضیح، این که بدون شک خدای متعال دارای جسم نیست، اما به نص قرآن کریم، خدای متعال در مورد کسانی که با پیامبر بیعت کردند، فرموده است: آنان با خدا بیعت کردند و دست خدا بود که برفراز دستان آنان بود. بنابراین، دست خدا نمادی از حضور و تجلی و عنایت الهی در قالب صورت است و در اینجا نیز دست خدا دقیقاً بروز همان معنایی است که در روایت اول و سوم از دسته دوم با عنوان «اقبال الهی» از آن نام برده شده است. پس مضمون‌های دوم و چهارم و پنجم در حقیقت یک چیز هستند و با هم رابطه صورت و معنا دارند. مضمون پنجم نیز که فرموده است خداوند اجر بیشتر به کسی می‌دهد که دست دیگری را دیرترها کند، به همان مضمون مشترک قبل بازمی‌گردد. توضیح، این که کسی که دست دیگری را دیرترها کند عرفاً و معمولاً این کار نماد و نمودی از محبت بیشتر او به طرف مقابل است و روایت به صورت ضمنی هم توصیه می‌فرماید همان محبت بیشتر را - که در دل دارید - به این صورت لطیف نشان دهید. پس اجر بیشتر برای همان فرد دارای محبت بیشتر است و از این رو، تنافی با مضمون مشترک قبل ندارد؛ ضمن این که اجر را هم کلی بیان کرده و مضمون

مشترک قبل، اجرا عبارت از اقبال الهی و دست دادن با فرد بیان فرمود. بنابراین، این دو می‌توانند مصادیق اجر در مضمون چهارم باشند. مخفی نیست که اجرهای اخروی دیگر در این روایات مسکوت است و منافات ندارد همه آن‌ها هم باشند که قطعاً هستند؛ زیرا نعمت‌های آخرت بروز همین عنایات الهی است و این عنایات، فوق نعیم بهشتی هستند. بنابراین، تا کنون دو مضمون باقی ماند: یکی مضمون شماره اول که فرموده خداوند به هر دو نظر دارد و یکی مضمون مستحصل از تحلیل پنج مضمون دیگر که خداوند یکی را بردیگری ترجیح داد. جمع بین این دو نیز با حمل بر عنایت مشترک و عنایات خاص ممکن است؛ به این معنا که خدای متعال به هر دو عنایت دارد؛ اما عنایتی ویژه به یکی از آن‌ها با شرایط یاد شده دارد. شاهد این جمع اخیر نیز روایت دوم ترجیح، یعنی حدیث اسحاق بن عمار است که فرموده است: از صد رحمتی که خداوند بر آن دو نفر نازل می‌کند، نود و نه رحمت برای کسی است که دیگری را بیشتر دوست دارد و یک رحمت برای دیگری است. نیز به صراحت فرموده است: بر هر دو هم اقبال می‌کند؛ اما اقبال الهی بر کسی که به آن شخص محبت بیشتری دارد، بیشتر است. پس معلوم می‌شود هر دو در این عنایت رحمانی شریک هستند؛ منتهی یکی بیشتری بهره را دارد.

نتیجه نهایی این که: خدای متعال به هر دو مصافحه کننده نظر دارد و گناهان هر دو را می‌ریزد و اگر مصافحه را طول دهند، همواره در عنایت الهی هستند تا همه گناهان آنان چون برگ ریزان حاصل از باد تند در فصل خزان - که بردختی بوزد - فرومی‌ریزد؛ اما اجر بیشتری برای فردی که بیشتر دیگری را دوست دارد و برای ظهور دادن این محبت قلبی در رفتار، بیشتر دست دادن را طول دهد (آخرنفرها کند) در نظر گرفته شده که حقیقت آن همان اقبال براوست که به صورت دست دادن خدای متعال با او نمود پیدا می‌کند؛ با آثار اخروی فراوان حاصل از این توجه الهی از جمله غفران بیشتر.

البته باید توجه کرد همان طور که در قواعد عام گفته شد، ترتب این آثار مانند همه منوط به قصد قربت الهی است.

پیام مصافحه

همان طور که در بحث ترغیب به مصافحه گفته شد، مصافحه باعث ایجاد محبت است، خصوصاً در میان ارحام و بستگان. نیز برخی الگوهای انجام مصافحه، مانند طول

دادن مصافحه و فشردن دست ها در الگوی ارتباط شناختی ایجاد محبت و صمیمیت می‌کند. همچنین ترغیب‌های هنجاری تأکید داشتند هر کس بیشتر طرف مقابل را دوست داشته باشد، او از آثار مصافحه بیشتر بهره دارد. این سه دلیل به خوبی نشان می‌دهند پیامی که در مصافحه منتقل می‌شود، همان پیام دوستی و محبت عمیق و بی‌شائبه است که از آن با عنوان «صمیمیت معناگرا» یاد می‌کنیم؛ صمیمیتی که برای خدا و دوزخ خودخواهی و هوای نفس است و بسیار مانا و پایا است.

نتیجه گیری

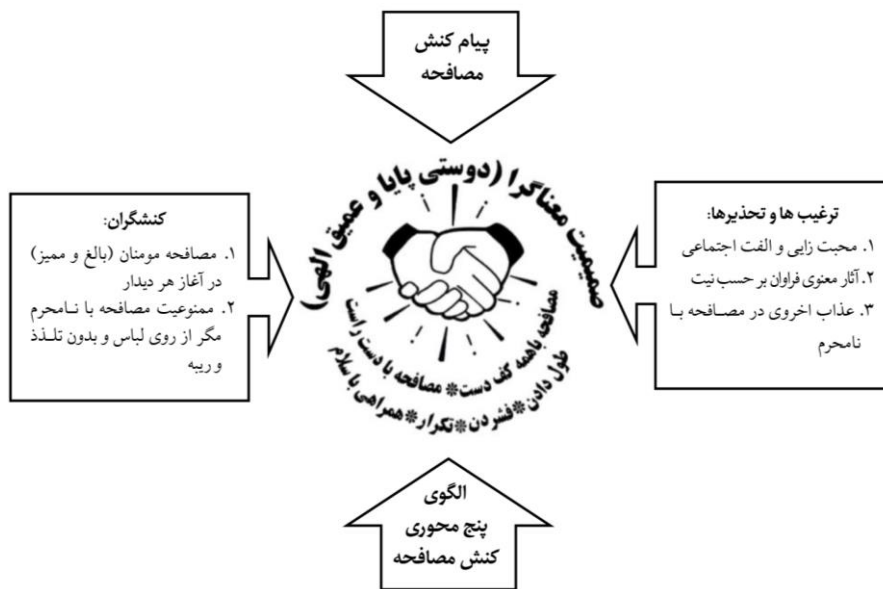
دست دادن در آغاز ارتباط، گرچه یک الگوی بشری و عام و حاوی پیام صمیمیت است، اما اسلام علاوه بر تأکید بر این الگو و بیان هنجارهایی برای ترغیب به آن و تحذیر از انجام نادرست آن، یک الگوی پنج وجهی ناب برای انجام آن هم ارائه کرده است که طبق تتبع نگارنده برخی از این الگوها منحصربه فرد و مخصوص آموزه‌های اسلامی است. این الگو، بر آغاز ارتباط با مصافحه با عنوان نماد ارتباط غیرکلامی تأکید می‌کند که می‌توان آن را ارتباط «لمس آغاز» نامید.

۱. نتایج این تحقیق در پاسخ به پرسش‌های فرعی که در مقدمه بیان شد، به شرح زیر است:
 ۱. این کنش در آغاز دیدارها توصیه شده و مستحب است انجام شود.
 ۲. روش انجام این کنش عبارت است از: دست دادن با همه کف دست راست همراه با فشردن دست مخاطب و نیز طول دادن این عمل و نیز تکرار آن به محض تجدید دیدار و همراهی آن با سلام.
 ۳. کنش گران این رفتار، همه مؤمنان بالغ و نیز میز هستند. البته در ارتباط با نامحرم مصافحه ممنوع است، مگر از روی یک حائل و واسط چون دست کش و لباس و امثال آن که البته بدون فشردن دست طرف و نیز بدون انگیزه جنسی (تلذذ و ریبه) باشد.
 ۴. بیان آثار معنوی و اجتماعی مصافحه، مانند ایجاد محبت میان مؤمنان و الفت و انس اجتماعی و نیز محبوبیت الهی (که همه خیرات و نعمت‌های مادی و معنوی از ریش گناهان تا ثواب‌های اخروی همگی بر این محبوبیت مترتب است) از عوامل ترغیبی برای تشویق مؤمنان به مصافحه است؛ همان طور که انذار از عذاب دوزخ برای کسانی

که با نامحرم مصافحه کنند، از تحذیرهای دینی برای دوری از کژروی ها در انجام این کنش اجتماعی است.

۵. پیام این کنش، دوستی و محبت عمیق و مانا و پایا است که با محوریت انگیزه الهی اتفاق می افتد، نه سودخواهی مادی و منافع نفسانی و سوء استفاده از ارتباط و تملق و امثال آن. این دوستی را می توان «صمیمیت معناگرا» نام نهاد.

نمودی از مجموعه این عناصر - که نظریه هنجاری مصافحه در آغاز ارتباطات اجتماعی درون فرهنگی اسلامی را تشکیل می دهند - در نمودار زیر ارائه شده است:



کتابنامه

- الاختصاص، محمد بن محمد مفید، قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
- آداب معاشرت در محیط کار، سوفاکس، مترجم: آزیتا زمانی، تهران: انتشارات هیرومند، پنجم، ۱۳۹۵ش.
- ارتباط غیرکلامی (زبان بدن)، سید محمود انوشه، تهران: انتشارات اندیشه جوان، اول، ۱۳۹۳ش.
- ارتباطات غیرکلامی، علی اکبر فرهنگی، تهران: انتشارات میدانچی، اول، ۱۳۹۵ش.

- ارتباط شناسی، مهدی محسنیان راد، تهران: سروش، شانزدهم، ۱۳۹۶ش.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- تاریخ دمشق، أبو القاسم علی بن الحسن بن هبة الله بن عساکر، تحقیق: عمرو بن غرامة العمروی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا.
- تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)، فریدون تفضلی، تهران: نشرنی، ششم، ۱۳۸۵ش.
- تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، حسن بن علی بن شعبه حرانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، دوم، ۱۳۶۳ش.
- تحقیق کاربردی (راهنمای عمل)، تری ای هدریک. بیک من، لئونارد. رگ، دبراجی، ترجمه: سید محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، دوم، ۱۳۸۱ش.
- تذکره الفقهاء، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی حلّی، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، اول، ۱۴۱۴ق.
- تصمیم گیری سازمانی و خط مشی گذاری عمومی، رحمت الله قلی پور، تهران: سمت، هشتم، ۱۳۹۶ش.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- تهذیب اللغة، محمد بن احمد ازهری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۱ق.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی صدوق، قم: دارالشریف الرضی للنشر، دوم، ۱۴۰۶ق.
- جامع المقاصد فی شرح القواعد، علی بن حسین کرکی محقق ثانی، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، دوم، ۱۴۱۴ق.
- الجغریات، محمد بن محمد بن اشعث، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه، اول، بی تا.
- جمهرة اللغة، محمد بن حسن بن درید، بیروت: اول، ۱۹۸۸م.
- الخصال، محمد بن علی صدوق، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۳۶۲ش.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، محمد محسن منزوی آقا بزرگ تهرانی، اسماعیلیان و کتابخانه اسلامیة، قم و تهران: ۱۴۰۸ق.
- رفتار غیرکلامی، ویرجینا پی ریچموند، جیمز سی مک کروسیکی، مترجمان: فاطمه سادات موسوی و ژیلایا عبدالله پور، زیر نظر دکتر غلامرضا آذری، تهران: نشر دانژه. ۱۳۸۸ش.

- روان شناسی آموزش مهارت‌های ارتباط و زبان، علی محمد ناعمی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، دوم، ۱۳۸۹ش.
- زبان بدن، جوناورو، ترجمه: امیرانصاری، تهران: انتشارات آموخته، اول، ۱۳۹۶ش.
- زبان بدن، منصور حسام زاده، تهران: نشر پوزنگ، اول، ۱۳۹۰ش.
- سلام، مصافحه و بوسه در اسلام، نورمراد محمدی، قم: اندیشه ماندگار، ۱۳۸۷ش.
- سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۹۹۸م.
- السنن الصغری، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعیب بن علی الخراسانی نسائی، حلب: مکتب المطبوعات الإسلامیة، دوم، ۴۰۶ق.
- الصحيح، مسلم بن الحجاج، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات، رید بلیک و ادوین هارولدسن، ترجمه: مسعود اوحدی، تهران: انتشارات سروش، سوم، ۱۳۹۳ش.
- العناوین الفقہیة، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی مراغی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۴۱۷ق.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی صدوق، تهران: نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق.
- غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، حمزة بن علی ابن زهره حلبی حسینی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، اول، ۴۱۷ق.
- فرهنگ و رفتار اجتماعی، هری. س تری یاندیس، ترجمه: نصرت فتی، تهران: نشر رسانش و جامعه شناسان، سوم، ۱۳۸۸ش.
- القواعد الفقہیة (الف)، سید حسن بجنوردی، قم: نشر الهادی، اول، ۴۱۹ق.
- القواعد الفقہیة (ب)، محمد فاضل موحدی لنکرانی، قم: چاپخانه مهر، اول، ۴۱۶ق.
- الکافی فی الفقه، ابوالصلاح تقی الدین بن نجم الدین حلبی، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، اول، ۴۰۳ق.
- الکافی محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چهارم، ۴۰۷ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت: دار الفکر، دارصادر، سوم، ۴۱۴ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: دارالکتب الإسلامیة، دوم، ۳۷۱ق.
- مدیریت ارتباطات، برکو، آندرو دی ری ام. ولوین و دارلین آر. ولوین، ترجمه: سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ششم، ۱۳۸۹ش.

معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، أحمد بن فارس، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۴۰۴ق.
 المقنع، محمد بن علی بن بابویه صدوق، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، اول، ۱۴۱۵ق.
 مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم: الشریف الرضی، چهارم، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش.
 من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی صدوق، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
 مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، اون هارجی و کریستین ساندرز و دیوید
 دیکسون، ترجمه: مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، تهران: رشد، پنجم، ۱۳۹۰ش.
 نظریه سازی در علوم اجتماعی، پلاماجی شومیکرو و جیمز ویلیام تانکارد و دومینیک ال.
 لاسورسا، ترجمه محمد عبداللهی، تهران: نشر جامعه شناسان، اول، ۱۳۹۰ش.
 نظریه‌های رسانه، سید محمد مهدی زاده، تهران: انتشارات همشهری، سوم، ۱۳۹۲ش.
 وسائل الشیعة، محمد بن حسن شیخ حرّعاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
 «بایسته‌های نظریه پردازی اسلامی روابط بین الملل»، مجتبی عبدخدایی، معصومه جمالی،
 تحقیقات سیاسی و بین المللی، تابستان ۱۳۹۵، دوره ۸، شماره ۲۷، ص ۲۴۶ - ۲۲۱.
 «بررسی جواز و عدم جواز لمس و دست دادن با زن مسلمان و غیرمسلمان از منظر فقه
 امامیه»، محمد مشکی قندشتنی و بلال شاکری، فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی،
 سال پنجم شماره ۳ (پیاپی ۱۶، پاییز ۱۳۹۸)، ص ۱۴۱ - ۱۵۹.
 «دست دادن با نامحرم از نگاه آیات و روایات»، احمد طاهری نیا، مجله فقه، بهار و تابستان
 ۱۳۸۸ش، ش ۱، ص ۲۱۴ - ۲۴۳.
 «مصافحه؛ چرا و چگونه»، محمد هادی مروجی طبسی، فصلنامه فرهنگ کوثر، پیاپی ۸۳
 (پاییز ۱۳۸۹)، ص ۱۱۲ - ۱۳۱.
 «نظریه هنجاری و الگوی ارتباطی سلام آغاز در ارتباطات کلامی درون فرهنگی اسلامی و
 مقایسه آن با سایر فرهنگ‌ها»، فصلنامه معرفت فرهنگی - اجتماعی، مصطفی همدانی،
 پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۰۳ - ۱۲۴.
 «نظریه هنجاری و ویژگی‌های آن در مطالعات شهری»، احسان بابایی، محمد مسعود؛
 کامران ربیعی، بهادر زمانی، روش شناسی علوم انسانی، دوره ۲۲، شماره ۸۹، زمستان
 ۱۳۹۵، ص ۵۷ - ۷۸.

Communication Between Cultures, Larry A.Samovar; Richard E. Porter, Edwin; R.
 McDaniel & Carolyn S. Roy, Wadsworth, Cengage Learning, 2013.

- Communication Mosaics: Interpersonal Communication*, Julia T .Wood, Eighth Edition, Boston, Cengage Learning, 2014.
- Interpersonal Communication*, Floyd, Kory, New York: McGraw-Hill, 2edition, 2011.
- McQuail's Mass Communication Theory*, McQuail, Denis, 6th edition,. London: SAGE Publications, 2010.
- Nonverbal Communication*, Mehrabian, Albert, New York: Routledge, 2017
- Normative theory and psychological research: Hedonism, eudaimonism, and why it matters*, Tiberius, Valerie; Hall, Alicia, The Journal of Positive Psychology ; Vol. 5, No. 3, May 2010; Pp 212-225.
- Religion and Economics_ Normative Social Theory*, James M .Dean; A. M. C. Waterman (auth.); James M. Dean, A. M. C. Waterman (eds.); Springer, Netherlan, 1999.
- Sociology*, Horton, Paul B., Chester L. Hunt, New York: McGraw-Hill, 1986
- The Planning of Change*, Bennis, Warren G., New York: Holt Rinehart & Winston, 1985.